

دوره نهم تقنينيه

جلسه ۹۰هـ

صورت مشروح

مذاكرات مجلس

(بدون مذاكرات قبل از دستور)

۷ تير ماه ۱۳۱۳ - ۱۵ ربيع الاول ۱۳۵۳

شماره مسلسل : ۹۳۴

قیمت اشتراك { سالیانه : ۱۰۰ ریال } داخله : ۵۰ ریال
فك شعاره : دو ریال

.....
مطبعة مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۷ آبر ماه ۱۳۱۳ هـ (۱۵ ربیع الاول ۱۳۵۳)

فهرست مذاکرات

- ۱ (تصویب صورت مجلس)
- ۲ (تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای معاون وزارت طرق)
- ۳ (شور اول لایحه استفاده از فارغ التحصیل های کلاس فضائی در وزارت داخله)
- ۴ (شور اول لایحه طرح راه آهن شمال و جنوب)
- ۵ (موافق و دستور جاهت بد - ختم جاهت)

(مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس روز یکشنبه ۳ آبر ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - این جا در صورت مجلس که قرائت فرمودند آبهای سرحدی خوانند در صورتیکه مقصد آبهای ساحلی بود.

رئیس - کوبا اینطور بگویند خورده است و الا همان آبهای ساحلی است. در صورت مجلس نظری نیست؟ (گفته شد خیر) صورت مجلس تصویب شد. آقای معاون وزارت طرق.

۲. تقدیم يك فقره لایحه از طرف معاون وزارت طرق معاون وزارت طرق (آقای عامری) - لایحه ابست

راجع بااستخدام در نظر منتهی برای تصدی امور جویه

و راهبر کارخانجات راه آهن شمال و جنوب.

۳ - شور اول لایحه استفاده از فارغ التحصیل های کلاس فضائی در وزارت داخله

رئیس - لایحه وزارت داخله راجع بااستخدام محصلین

در جلسه اسبق طرح شد حالا برای توجه ذهن آقایان دو

مرتب قرائت میشود:

خبر کبیرت

کی-یون داخله لایحه نمره ۱۳۸۱۷ دولت راجع به

اجازت استخدام فارغ التحصیل های کلاس فضائی بوزارت

داخله را با حضور آقای وزیر داخله مطرح نموده و با

این مذاکرات مشروح آودمین جلسه از دوره نهم تقویمیه (مطابق قانون ۵ آذر ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

غائبین بی اجازه - آقایان: نازی - محاربی - اسدی - اعظم زنگنه - محمود کاتبی - یونس آقا و صاحب زاده - شریعت زاده - کرگانی - چایچی - کورس - دشتی - هراز - معین
در آمدگان بی اجازه - آقایان: دکتر امیراعظم - بیات - استخرپاری - دکتر ادهم - آقارضا مهدوی - مسودی - دکتر پیرامی

توضیحاتی که آقای وزیر داخله دادند با این ماده واحده پیشنهادی دولت موافقت حاصل شد و اینک خبر آن را برای شور اول تقدیم مینمایم.

رئیس - این ماده واحده پیشنهادی دولت :

ماده واحده - وزارت داخله مجاز است فارغ التحصیل های کلاس قضائی را با حقوق رتبه قضائی که دارند برای حکومت و بیات حکومت تقاضای که محکمه صلحیه با بدایت ندارد استخدام نماید در صورتیکه مطابق قانون فارغ التحصیل های کلاس قضائی بعد از دو سال خدمت رتبه قضائی آنان تثبیت گردید مادام که در وزارت داخله مشغول خدمت هستند ترفیع آنان مطابق قانون استخدام کشوری از رتبه اداری شروع میشود که حقوق دریافتی اول خدمت متناسب آن باشد و تخلفات آنان از قوانین قضائی در وزارت عدلیه بتزویب قانون استخدام قضات رسیدگی خواهد شد.

رئیس - آقای دیا -

طباطبائی دیا - البته این فکری که هیئت دولت کرده اند راجع به محصلین کلاس قضائی فکر خوبی بوده است کلاس قضائی از مدتی باین طرف دایر بوده است و محصلین از آنجا بیرون آمده اند و تصدیق گرفته اند وزارت عدلیه هم تا ممکن بوده بآنها شغل داده است ولی خیلی از این محصلین هستند که تصدیق دارند و امروز بیکارند و وزارت عدلیه هم محل ندارد که بتواند از وجود این محصلین استفاده کند و امروز هم بهتر از این فکری نبوده است که هیئت دولت فرموده اند و این یک چیزی است که چه مثل مشهوری است که وجود نقص به از عدم است بنده عقیده ام این است که گاهی اوقات عدم بهتر از وجود نافع است ممکن است از وجود نافع یک ضرر هائی منوجه شود ولی از عدم بعض ضرری متوجه نمیشود این جا محصلین قضائی به موجب این لایحه که دارد مطرح میشود میزوند و وارد محاکمه حقوقی و جزائی میشوند وزارت داخله آنها را استخدام میکند بعنوان حکومت و بیات حکومت ولی راجع به مأمورین صلح ما سابقاً یک قانونی

حکم طرف دیگر هم استعفا داد در هر صورت در مقام عمل مسئله حکمت دیده میشود که هیچ عملی نیست و دعوی قطع و فصل نمیشود دوسیه حاضر نمیشود یا اینکه حکم ها یکی حاضر نمیشود و اکثریت نمیشود و اشکالات زیادی تولید میشود که بالاخره کار معوق میماند حالا بقعیده بنده به حکمت رجوع کردن مأمورین صلح بکلی غلط است و لابد ندارد حتی سابقاً یک مأموری را شنیدم و نمیدانم حقیقت دارد یا نه که طرفین را مجبور کرده بود که بروند بحکمت در صورتیکه این هم چیز غلطی است مخصوصاً حکمیتی که در قانون معین شده با رضایت طرفین است طرفین را نمیشود مجبور کرد که بحکمت بروند بنده عقیده ام این است حالا وزارت داخله این لایحه را تقدیم مجلس کرده از یک طرف هم آن قانون مأمورین صلح را وزارت عدلیه خوب است پیشنهاد کنید که تغییر داده شود و الا موظفند که از بیست تومان بیشتر را مداخله نکنند در امور جزائی هم محدودند آنوقت مسئله را بحکمت هم اگر رجوع کنند که غیر عملی است باید بقعیده بنده آن قانون را هم اصلاح و تجدید نظر کرد که عملی باشد بنده عقیده ام این است حالا که محصلین کلاس قضائی را وزارت داخله استخدام میکند و با استرضای وزارت عدلیه هم اینها با و در حقوقی مداخله میکنند اینها کاملاً با و در حقوقی دخالت کنند و هیچ جهت ندارد که امروز محصل کلاس قضائی را که رفته است و تصدیق گرفته است و امین صلح شده است و وظائف امین صلح را انجام میدهد این شخص با آن یکی دیگر که آمده است وزارت داخله مستخدم شده است تفاوتی ندارد آن عمل بتواند تا یا بعد تومان مثلاً امور حقوقی را مداخله کند و محاکمه کند ولی این محصل قضائی که رفته از طرف وزارت داخله این تالیست تومان بیشتر حق ندارد این است که بنده تفکیک را معتقد نیستم اگر این محصل قضائی تحصیل کرده و تصدیق گرفته و لایق است چنانکه محصلین قضائی عدلیه مداخله دارند و یک وظایفی را انجام میدهند آنها هم دارای همان وظایف باشند و الا تا بیست

تومان رسیدگی کنند و اگر از بیست تومان تجاوز کرد به حکمت رجوع کنند این را بنده عقیده ندارم یک مسئله دیگر بود که میخواستم تکلیفش در مجلس معلوم شود این است که این محصلین قضائی که از طرف وزارت داخله استخدام میشوند اینها حقیقتاً مستخدم وزارت داخله هستند یا مستخدم وزارت عدلیه راست است که ممکن است یک مأمور در وظیفه را انجام دهد چنانکه بگرفت مأمورین بیست علیحده بودند و مأمورین تکلیف وزارت عدلیه را هم بگرفتند ولی اینجا که آقایان برآورد از آخر لایحه معلوم میشود که اینها مستخدمین وزارت عدلیه هستند برای اینکه تخلفات آنها از قوانین قضائی در وزارت عدلیه محاکمه میشود اگر محصل قضائی رفت بوزارت داخله و یک تخلفاتی کرد مطابق قانون قضائی بآنها رفتار میشود از یک طرف وزارت عدلیه مداخله دارد در کار آنها و از یک طرف وزارت داخله حالا معلوم نیست که اینها مستخدمین وزارت داخله هستند یا مستخدمین وزارت عدلیه این را هم خوب بود که آقایان یک توضیحی بدهند که کاملاً معلوم شود یک مسئله دیگر هم که میخواستم توضیح شود این است که اینها را اگر وزارت داخله استخدام کرد و رفت مدتی هم ماند خواست باز مراجعت کنند بوزارت عدلیه آیا این ممکن است یا ممکن نیست اینها باید مطرح شود و بحث شود و معلوم شود که بالاخره تکلیف اینها چیست در هر صورت بنده نظرم این است که اگر این قانون باین ترتیب بگذرد ضررش بیشتر است مگر اینکه آن قانون مأمورین صلح را کاملاً اصلاح کنیم و وظایفی که اینها صلح دارند اینها هم داشته باشند و یک عیب فی الجمله بنده اینجا بنظرم می آید که اگر این قانون باین ترتیب بگذرد دیگر وزارت عدلیه بکلی از خیال اینکه محاکم قضائی را بسط بدهد در ملکیت می افتد چون حقیقتاً معلوم است

که محاکم قضائی باید در تمام مملکت باشد و امروز در غالب جاها که نیست برای این است که وزارت عدلیه بودجه ندارد اگر این ترتیب بشود دیگر وزارت عدلیه از خیال بسط محاکم قضائی میافتد و دیگر محاکم قضائی ما نداریم و اینهم بعقیده بنده صحیح نیست.

وزیر عدلیه (آقای صدر) - چون وزارت عدلیه هم علاقمند است به گذشتن این قانون بنده آن قسمتی که مربوط است به قانون مأمورین صالح و قسمت دیگر هم از طرف آقای وزیر داخله مدافعه میکنم. فرمایشات آقای دیبا چند قسمت است یکی اینکه اینها مأمور وزارت داخله محسوب میشوند یا مأمور وزارت عدلیه البته معلوم است که مأمور وزارت داخله هستند حقوقشان را هم آن جا میگیرند و ترفیضان هم بعد آن جا حاصل میشود و اینکه تخلفات قضائی آنها در عدلیه و در محکمه انتظامی رسیدگی میشود آن منافات ندارد که مأمورین وزارت داخله باشند برای اینکه تخلفات تمام مأمورین دولت در دیوان جزای عمال دولت رسیدگی میشود که آنهم جزء عدلیه است پس از این جهت اشکالی نیست یعنی این قسمت آنها را از مستخدم وزارت داخله بودن خارج نمیکند قسمت دیگر این که فرمودند این مسئله سبب میشود که وزارت عدلیه از خیال توسعه محاکم قضائی منصرف میشود اینطور نیست البته آقایان میدانند که خیلی از محلها هست که الان عدلیه ندارد و برای وزارت عدلیه مشکل است که در تمام نقاط با وضعیت مملکت ایران که خیلی دور است نظاطش از هم و نقاط کوچک کوچک هم هست و اقتضای این را ندارد که تشکیلات قضائی پرخرج تاسیس کند این بود که این فکر شد که يك مأموری که سمت حکومت یا نایب الحکومه یا معاون حکومت را در یکجائی دارد و کارش کم است ممکن است مأمور قضائی هم رسیدگی کنند و جمیع بین جهات و مصالح مختلفه دولت در این باب شده است و يك جنبه عمده اش کم خرجی است و یکی هم کم آدمی است (دیبا - راجع به قانون مأمورین صالح بفرماید) راجع به قانون مأمورین صالح این را بنده در نظر داشتم

که اگر این لایحه بگذرد البته آن قانون را هم تغییر خواهیم داد چون مأمورین وزارت داخله که رتبه قضائی ندارند البته نمیشود با آنها توسعه زیادی در اختیارات قضائی داد ولی زلفی که دارای معلومات قضائی باشند و رتبه قضائی هم داشته باشند ام از محصلین کلاس قضائی با غیر آنها فرق نمیکند فرض میکنیم یکی از قضات عدلیه حالا میخواهد منتقل شود به وزارت داخله فرض میکنیم با رتبه قضائی که دارد و منتقل میشود به حکومت و وزارت داخله میتوان باو اختیارات قضائی هم داد و اشکالی ندارد نهایت این است که تا حدود صلاحیه عملاً بیشتر اقتضا ندارد این را قانونش را بعد تقدیم مجلس میکنیم.

رئیس - آقای روحی. عرض کنم بنده يك قسمت عرایضم را در جلسه گذشته عرض کردم مناسفانه آقای وزیر داخله و آقای وزیر عدلیه تشریف نداشتند - عرض بنده این بود که امروز مدتها است که از تاسیس تشکیلات قضائی در این مملکت میگردد و وزارت عدلیه حس میکند که قاضی ندارد و کم است باین معنی که در غالب جاها که میبایست محاکم صالح محاکم ابتدائی و بالاخره بعضی جاها حوزه استینائی داشته باشد بکلی در اثر نبودن قاضی افتاده است بعد ب فکر افتادند که کلاس قضائی افتتاح کنند و در آنجا قضی تهیه کنند و قضات درس خوانده را بولایات اعزام دارند حالا که این کار عملی شده و قضای را بکارهای وزارت داخله میفرستند بنده تعجب میکنم آقای قاضی را صلاحیه بفرستید شما اگر حکومت نداشته باشید چندان اشکال ندارد ولی اصلاً معنی ندارد که قاضی داشته باشید و با یک نفر خیلی کارها را بکنید در همین محل که بنده نمائنده هستم جیرفت و رودبار و سارویه که شاید دولت هزار نفر جمعیت دارد يك محکمه قضائی نیست و اثری از قضاوت نیست حق يك صلاحیه هم نیست حالا اگر در آنجا يك صلاحیه باز کنند چه میشود همین هائی که کلاس قضائی را دیده اند عوض اینکه حاکم بشوند قاضی صالح بشوند منتهی بگویند

کفالت حکومت هم با او باشد رتبه قضائی باین شخص میدهند و این را ببخود کارش را متزلزل میکنند و معلوم نیست که این مستخدم کدام وزارتخانه است الان این لایحه همچو میفهماند که این آدم هم نوکر وزارت داخله است و هم قاضی وزارت عدلیه هم مأمور اجرا و این معنی ندارد و همانطور که عرض کردم امروز آقای رئیس الوزراء که جواب فرمودند درست منوجه عرض بنده نشدند این در واقع دخالت قوه قضائیه و قوه مجریه است باین معنی که خودش حکم میدهد خودش هم اجرا میکند این که میگویند عدلیه هم خودش اجرا میکند این غیر از آن است در عدلیه اداره اجرا هست که تحت امر وزارت عدلیه است که وزیر عدلیه خودش جزء قوه مجریه مملکت است قاضی فقط حکم میدهد این آدمی که میرود آنجا حکم میدهد از بیست تومان کمتر یا بیشتر خودش هم باید اجرا کند این هیچ معنی ندارد آنوقت يك حقیقهای کوچک و جزئی که شاید غالب آنها نتوانند استیناف بدهند و فاصله حوزه استینافی آنقدر زیاد است تا آنجا که محکمه بدایت است که نتوانند استیناف بدهند که موافق بشوند. بنده این را عقیده ندارم میگویند قاضی نداریم این قاضی را که خود شما الان میگویند که از کلاس قضائی بیرون آمده اند و بیکار هستند اینها را قاضی بکنید و امثال صلح بدهید فقط موافقت کنید که وزارت داخله هم آنها را کفالت حکومت بدهد مملکت عدلیه می خواهد مملکت به قضاوت بیشتر احتیاج دارد تا حاکم بنده خودم چند رتبه دیگر عرض کردم در بعضی جاها حاکم ضرورت ندارد ولی صلاحیه لازم است جیرفت و رودبار و سبزوار هم حاکم نمیخواهد (افسر - لازم دارد) اما صلاحیه میخواهد محکمه بدایت میخواهد قاضی میخواهد آنجا يك بلدیّه داشته باشد کار حکومت را میتواند اداره کند ولی باینکه صلاحیه داشته باشد نمیتواند رسیدگی کند باینکه بدایت داشته باشد نمیتواند رسیدگی کند این عقیده بنده است بلی يك حوزه ابانک والی میخواهد

يك سرحد ولایت مهم حاکم میخواهد ولی جاهای کوچک هرچه کمتر بشود بیشتر میتوانند احقاق حق مردم را بکنند حالا هم بنده عقیده دارم موافقت بفرمایند آقای وزیر عدلیه اینجا ابتداء قاضی باشد و در واقع حاکم صالح و حاکم ابتدائی و بعد هم کفیل حکومت رتبه قضائی اینها را متزلزل نکنند و صلاحیه را مقدم بدارند بر حکومت. وزیر داخله (آقای جم) - متاسفانه با اظهاراتی که آقای روحی کردند با اطلاعاتی که از وضعیت خارج دارم نمیتوانم موافقت کنم اولاً این لایحه که تقدیم مجلس شورای ملی شده است يك تعهیل است برای امور اهالی مملکت در جاهائی که وسایل رسیدگی در کارهاشان نیست چنانکه قبل از اینکه در این جلسه حاضر شوم یکی از وکلای محترم آذربایجان بفرموده بودند که در يك قسمت آذربایجان يك رعابائی يك نظلمائی دارند امور حقوقی دارند صلاحیه و وسائل دیگر که بآن رجوع کنند نیست شما بحکومت محل دستور بدهید که رسیدگی کنند بکار آنها بنده سؤال میکنم آیا چه ضرورت دارد مأمورین مالیه مأمورین وزارت داخله قسمت های نایب الحکومگی در قسمتهای جزء که دارای جمعیت زیاد است و بالطبع مردم کارهای زیاد دارند چه ضرورت دارد يك شخص با معلوماتی باشد از قوانین مملکت که رفع احتیاجات مردم را بکند این لایحه هم اینجا تقدیم شده است معاینش این نیست که وزارت عدلیه از وظایف خودش که بسط وسائل قضائی در تمام مملکت است خود داری کرده باشد البته بسط قوای قضائی در تمام مملکت منوط به بودجه وزارتخانه است اگر وسایل بود البته وزارت داخله هم در این سدد بر نمیآید کوشش میکرد که وضعیت کار خودش را با يك معلومات و مشخصات دیگری تأمین کند و البته با مذاکراتی که شد و بنحوی که آقای وزیر عدلیه توضیح دادند پس از اینکه این لایحه را تصحیح کردند اختیارات مأمورین هم زیادتر میشود و بیش از آنچه که يك مأمور سابق اختیار داشت

که با بیست تومان اقدام کنند اقدام خواهد کرد و يك اشتباهی هم که در آقایان تولید شده است این است که تصور شده است همین که این لایحه گذشت ما تمام مأمورین اداری را بیرون میکنیم و اشخاصی که معلومات از نظر حکومتی ندارند و تجربیات ندارند اینها را همه جا حاکم میکنیم غیر همینکه لایحه گذشت ما این اشخاص را در زیر نظر مأمورین خوب، حکام خوب، ولات خوب میگذاریم همینکه بکارهای حکومت اطلاع حاصل کردند آنها را باین کارها میگذاریم.

رئیس - آقای افسر

السر - بنده موافق بعد از يك مخالف.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - در جلسه گذشته که این لایحه مطرح بود بنده يك عرایضی در مجلس کردم و عفا بگذرد را بعرض رساندم اولاً يك نکته از فرمایشات آقای دیبا بعقیده بنده جواب داده شد و آن این بود که گفتند اینها مستخدم وزارت داخله هستند با عدلیه اینها را جواب فرمودند (اورنگ - چرا) چون اینجا در واقع بعقیده بنده اینها ذویحیاتین شده اند بعلت اینکه محاکمه شان در عدلیه میشود. در قانون استخدام در ماده ۴۰ و ۴۱ هست که هرگاه مستخدمین دولت خلافی میکنند در محکمه اداری محاکمه میشوند لکن اینجا استغناء شده است یعنی می رود به محکمه انتظامی پس در قسمت محاکمه مامور وزارت عدلیه است در قسمت حقوق در مرتبه اول مستخدم وزارت عدلیه است اما در مرحله بعد یعنی در ارتقاء رتبه و اینها مطیع وزارت داخله است پس این مستخدم دو وزارتخانه و تحت مسؤولیت دو وزارت خانه است از حیث محاکمه و از حیث حقوقی دفعه اول مستخدم عدلیه است اما در قسمت ارتقاء رتبه و اینها مستخدم وزارت داخله است این يك موضوع که بعقیده بنده آن جوابی که فرمودند کافی نبود برای اینکه این یا باید مستخدم وزارت عدلیه باشد یا وزارت داخله موضوع

بعد بپردازم بدفاع از اظهارات امروز آقایان. اولاً این که بعضی از رفقا اظهار کردند آنچه خوب بود که آقای وزیر عدلیه بردند و بعضیها را هم آقای وزیر مالیه و بعد اینهایی که مانده اند و بدرد هیچ کاری نمبخورند اینها وزراء را خسته کرده اند آمده اند يك قانونی برایشان بگذارند اینطور نیست اینها از ولایات بيك عشق و هوایی بموجب آن اعلان وزارت عدلیه آمده اند از نقاط جنوب و شمال و شرق و غرب برای آن کلاس قضائی که ذکر کردند و چهار سال کلاس قضائی طول کشید یعنی فرار بود اول دو سال باشد ولی اینها چهار پنج سال است گرفتار شده اند اینجا و غالباً اشخاص باسوادی هستند بجهت اینکه امتحان داده اند خیال نکنید تازه الف باه را شروع کرده اند که تا رسیده باشند قبول کنند خیر اینها اغلب باسواد بودند از طلاب بودند و تحصیل کرده بودند شاگرد سه کلاس و شش کلاس بودند اینها که ما دیدیم بیسواد نیستند و وزارت عدلیه لازم نداشت یعنی بودجه نداشت و مالیه هم همانقدر که لازم نداشت برد همچو نیست که اگر مدل اینها را نگاه کنید آهائی که وزارت عدلیه برده امره بیست باشند و اینهایی که مانده اند مثلاً ده و چهار عشر اینطور نیست این بیچاره ها تحصیل کرده و زحمت کشیده هستند و بعقیده بنده وقتی دولت اعلان کرد اینها را دعوت کرد میبایستی حتی الامکان اینها را بکار قضائی و امید داشتند حالا بودجه اقتضا نکرده امری است علیحده و بعقیده بنده هر وقت بودجه مساعدت کرد باید اینها حق تقدم داشته باشند در حقیقت اینها موقتاً آنجا میروند اما اینکه بعضی از آقایان فرمودند که بعضی از نقاط تجربه لازم دارد اولاً همانطور که آقای وزیر داخله فرمودند بعضی اینها که این قانون گذشت فوراً يك آدم غیر مجرب را میفرستند بيك سرحدی یا جای وسیعی مثل چیرفت که پنجاه فرسخ درصفت فرسخ باشد البته اینها در قانون نیست اما مسؤولیت با وزارت داخله است هر جایی که مقتضی میدانند و بدرد میخورند خواهند فرستاد حالا آقای روحی فراهان و سبزواری

را جزو مثل خودشان گرفتند بعقیده بنده حق نداشتند البته چیرفت را اطلاع دارند ولی سبزواری لازم دارد سبزواری صلحیه دارد ابتدائی دارد حاکم دارد و سایر چیزها فراهان هم يك محلی است که تکلیفش مسلم است و اگر هم نداشته باشد یا نزدیک بمراتق و فم مطلبی نیست البته چیرفت يك جایی است دور دست و همه چیز لازم دارد ولی از مد نظر سیاست شباهت بیكد بگر ندارند خود وزارت داخله این مسائل را بیشتر ملحوظ میدارد بجهت اینکه خود دولت بیشتر اهمیت میدهد و شك هم نیست که اینها را رعایت خواهد کرد ولی جزو قانون نیست سالهاست سبزواری حاکم دارد و چیرفت هنوز صلحیه ندارد البته ما باید آرزو داشته باشیم که تمام نواحی مملکت مطابق قوانین مقرر صلحیه داشته باشد ابتدائی داشته باشد جاهائی هم که لازم است استیفان باشد ولی تا کی باید مردم را باین آرزو سرگردان و معطل کنیم. بیست و نه سال است که مشروطه شده است و مردم را معطل کرده ایم و وعده داده ایم کاغذها در مجلس حاضر است طبع بيك فحاحیه است که صد فرسخ در پنجاه فرسخ است یعنی پنج هزار فرسخ و کلابش هم حاضرند در مجلس چند اینها تقاضا کردند اصلاً ابتدائی دارد صلحیه ندارد کارهاشان که گیر میکنند باید بروند به بیچند چهل فرسخ بروند تربت پنجاه فرسخ بالاخره حد و بیست هزار نفر هم جمعیت دارد حاکم هم دارد چه بکنیم؟ اما اینکه فرمودند بحکام سابق اختیار بدهیم ملاحظه فرمایند چند نفر از حکام سابق که آمده های خوبی هم بودند ولی از بابت بی اطلاعی از قانون مراجعه بدیوان جزا شده اند از بابت بی اطلاعی و چند نفر از اینها محاکمه اداری شده اند برای چند نفر از آنها مجبور شده اند قانون بیاروند که تا این تاریخ که این تخلفات را کرده اند معاف باشند یعنی از بس دیدند که عدشان زیاد شد بيك ماده وزارت داخله لازم دانست که اگر نظر آقایان باشد گذشت و معاف کردند و اینها بلا تکلیف مانند و بعد هم کارهای مردم تمام نمیشود حالا بالاخره وقتی هیچ سستی نداشت آمد بيك حاکم بيك کاری را تمام کرد اگر کار

پنج نومانى ده تومانى باشد قنلى نسبت ولى ملك است زندگى است حقوق است آنها را بايد اشخاص مصلحى باشند كه بتوانند رسيدگى كنند اگر ميتوانستيم همه جا تشكيلات عدليه را بدهيم موافق بوديم ولى امسى خود مردم را هم نميشود بيست و پنج سال سرگردان كرد نظاير را ميخواهيد عرض كنم منحصر به طيس بيست جوين و بام و اسفراين سه ناحيه صد هزار نفر جمعيت دارد اصلاً تا پارسال نايب الحكومه با حقوق نداشت و با هزار زحمت آقای وزير داخله حقوقى براى آنها معين كردند چنانچه باخرز و سرچام سه ناحيه در سرحد افغانستان و محكمه ندارد صلاحيه ندارد بالاخره مردم منحل گرفتار و امور سرحدى است و بالاخره يكتفر حاكم آنها بايد باشد كه بتواند اين دعاوى را قطع و فصل بكنند در هر يك از نقاطى كه آقايان مسجولى هستند البته اين گرفتاريها هست در قسمت شمال كتر است چون آباديش بيشتراست در مشرق نسبتاً كتر است و در جنوب شايد خيلى بيشتراست بالاخره در تمام كرمان چند حوزه صلاحيه است با محكمه ابتدائى است با اينكه حوزه استينافى است بنده غير از بم سراغ ندارم محكمه ابتدائى باشد در تمام فارس غير از آباده و كازرون گمان ندارم محكمه ابتدائى باشد يا رويهمرفته گمان نميكند بيش از پنج حوزه ابتدائى باشد اين براى چيست: براى اين است كه نتوانسته اند و اينكه آقای ديبا فرمودند گاهى وجود ناقص بهتر از عدم صرف بيست اگر ادله فلسفى قائل شويم كه بطور كلى وجود ناقص بهتر از عدم صرف است و اگر ادله فلسفى بيست و مطالب عادى است كه بنده حرفى ندارم و اين وجودها هم باين شدت ناقص بيستند كامل هستند. يعنى نسبت بكارى كه بهشان رجوع ميشود كامل هستند. چرا ناقص هستند حتماً يك نفرى را كه ميخواهند حكومت كند بايد بى معلومات باشد. اينها اشخاصى هستند كه در كلاس درس خوانده اند و امنجان داده اند وليافت براى قضاوت دارند كسى كه لياقت دارد چرا وجود ناقص است اگر از مد نظر اين است كه نمره اش كم است

اگر اينطور بود كه ديپام و تصديق باو تمديد اند پس مسلماً ناقص بيست. اگر از نظر سياست وزارت داخله بفرمائيد كه آن تشخيصش با وزارت داخله است اما اينكه ميفرمائيد خيلى اشكال ميشود كه يك نفر ماور دوسه جا باشد الا آن بنده جاهائى را مكرر سراغ دارم كه حاكمش معزول است و هنوز ترفقه است و قملار رئيس تلگرافخانه موقتاً كار او را ميكند و كافيلى حكومت است. بارئيس ماليه بيست ديگرى كار او را ميكند ماهى چندين مرفيه اتفاق مى افتد سه ماه چهار ماه شش ماه كفايت يكى از ادارات دولتى را ميدهند بكنسى ديگر و از اين حيث هم مسئول آن وزارت خانه است و از حيث كار خودش مسئول وزارتخانه خودش است. الا آن مكر اداره تجاروت در همه جا مسئول دارد در خيلى جاها به حكام واگذار کرده اند پس بايد حكام حق مداخله داشته باشند چرا كه حاكمند! مى بينند يك ماوروى در يك جائي كارش كم است باه واقفت وزارت خانه متبوعه خدمات ديگر دولتى را هم باو واگذار ميكند كه انجام دهد و اين همچ اشكالى بنظر بنده ندارد بخصوص با آن جوانى كه آقای وزير عدليه دادند كه محكمه جزا با اينكه همه عمال دولت را محاكمه ميكند معذلك جزء وزارت عدليه است. پس بنظر بنده اين يكى از قوانين خوب است و خيلى دردها را اصلاح ميكند و بنده هر وقت كه ديدم يك بودجه كافي براى عدليه معين كردند اول مخالف اين لايحه خواهم بود و خواهم گفتم با اينكه ميتوانيد در يك جائي محكمه ابتدائى دائر بكنيد چرا اينطور كرديد. (جمعى از نمايندگان - مذاكرات كافي است)

رئيس - آقای شريعت زاده با كفايت مذاكرات مخالفيد شريعت زاده - بل رئيس - بفرمائيد شريعت زاده - بنظر بعضى از آقايان اين دويه با يك مسائل اساسى مخالف است و من تصور نميكند براى رفع اشتباه در اين مطالب كه اگر بين ما كسى باشد كه تصور ميكند

وضع اين قانون از لحاظ مراعات اصل اشكاك صحيح بيست بايد مذاكره شود و اين اشتباه رفع شود اگر آقايان تصور ميكند ضرورتى ندارد كه خوب مذاكرات كافي باشد و رأى گرفته شود ولى اگر بعقیده خود باز باقى هستند چون اين يك مسئله حقوقى است خوب است آقايان اجازه بدهند توضيح شود.

رئيس - آقايانى كه مذاكرات را كافي ميدانند قيام فرمايند. (عده زيادى قيام نمودند) معلوم ميشود كفايت پيشنهادات قرائت ميشود:

پيشنهاد آقای اعتبار

ماده واحده را بشرح ذيل پيشنهاد ميكند. وزارت داخله مجاز است فارغ التحصيل هاى كلاس قضائى را كه اقلادو سال در خدمت وزارت عدليه بوده اند يا حقوق رتبه قضائى كه دارند براى حكومت و نيابت حكومت تقاطعى كه محكمه صلاحيه ندارند الي آخر ماده.

پيشنهاد آقای طهرانی

پيشنهاد ميكند ماده واحده بترتيب ذيل اصلاح شود: وزارت داخله مجاز است فارغ التحصيل هاى كلاس قضائى را مشروط بر اينكه اقلادو سال در تشكيلات عدليه خدمت کرده باشند استخدام نمايندالى آخر.

رئيس - آقايانى كه بوريد در مورد اين لايحه موافقت دارند قيام فرمايند. (جمعى قيام نمودند) تصويب شد

۱ - شور اول لايحه طرز تشكيل ديوان شكوى
رئيس لايحه راجع بطرز شكابت از قضاة مطرح است در اين قسمت مذاكره شد رأى گرفتيم بوريد در مواد. ماده اول را خوانديم و مذاكراتش خانه بافت حالا براى اينكه ذهن آقايان آماده باشد يك بار ديگر ميخوانيم. ماده اول - در موارد ذيل ميتوان از قضاة صاحب منصبان ادارات مدعى عمومى. مامورين صلح و مامورين ديكر دولت كه بيست نمايندگى مدعى العموم عمل کرده اند عرض حال شكوى داده تقاضاى جبران خسارت كرد.

۱ - در هر مورد كه عايداً قرار يا حكمى برخلاف قانون بتاحق صادر شده و يا عمل ديكر بتاحق برخلاف قانون عايداً شده باشد.

۲ - در مورد هر تخلفى كه قانون صريحاً متخلف را بجزبان خسارت ملزم ميكند.

۳ - در مورد استنكاف از احقاق حق و يا تاخير در احقاق حق و يا تاخير در انجام وظيفه.

تبصره - اگر مشتكى عنه مدعى باشد كه در صدور قرار يا حكم يا در عمل بتاحق اشتباه يا غفلت کرده و چنين اشتباه يا غفلتى را از او توان باور كرد عمل مشتكى عنه عمد محسوب ميشود.

تبصره ۲ - عدم صدور حكم يا قرار به بهانه سكوت يا نقض يا تاخيرات قضائى و بطور كلى بلا تكليف گذاردن تقاضاهائى كه از طرف اصحاب دعوى ميشود استنكاف از حق است.

ماده دوم - مدت مرور زمان سه سال است مگر در صورتيكه عمل موضوع شكوى جرم باشد كه در آن حال مرور زمان حقوقى ده سال خواهد بود.

رئيس - ماده اول مذاكراتش خانه بافت. ماده دوم مطرح است. آقای ديبا.

ديبا - بنده در ماده دوم عرضى ندارم.

رئيس - آقای طهرانی - در ماده دوم عرضى ندارم.

رئيس - ماده سوم - عرض حال شكوى بدو در هيئتى كه تحت رياست وزير عدليه تشكيل ميشود و مركب است از رئيس اداره كل نويه قوانين - مدعى العموم ديوانعالى تميز - رئيس محكمه انتظامى و مقدم ترين رئيس شعبه تميز از حيث سابقه خدمت در ديوان تميز مورد رسيدگى مقدمان شده قرار قطعى رد يا قبول آن با ذكر دلايل صادر ميكردد. بمرض حال شكوى بايد قبض و دليه معادل صدى يك خسارت مورد مطالبه ضميمه شود - اين دليه كتر از ده ريال و بيش از هزار ريال نخواهد بود

و در صورت وارد بودن شکایت و دلیله به نفع دولت ضبط و الا بشاکی مسترد میگردد - سایر مقررات مربوط به تقدیم عرضحال و طرز رسیدگی در هیئت فوق الذکر به موجب نظامنامه‌های وزارت عدلیه معین میشود.

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دینا - بنده می خواستم آقای وزیر عدلیه توضیحی بدهند که اینجا عرض حال شکوی مقدمه این هیئتی که اینجا معین شده رسیدگی میکند و رأی میدهد آیا دیوان شکوی مرکب از همین هیئت است یا یک هیئت دیگر است. چون در اینجا پیش بینی شده ولی معین نشده که دیوان شکوی از چه اشخاص هستند فقط مرجع عرضحال معین شده که همین اشخاص هستند که در اینجا تصریح دارد. خوب در این باب یک توضیحی بدهند دیوان شکوی که همین هیئت است با غیر از این است.

چون اینجا یک هیئتی معین شده که عرض حال را قبول میکند بعد یک هیئت دیگری است که رسیدگی میکند اگر دیوان شکوی غیر از این هیئتی است که عرضحال را قبول میکند پس باید در قانون معین شود که از چه قبیل اشخاص و مستخدمین هستند. مطلب دیگر اینکه مینویسد بر عرضحال شکوی باید قبض و دلیله معادل صدی یک خسارت ضمیمه شود. به عقیده بنده اینجا هم باید مثل سایر عرضحال ها باشد یعنی اگر یک کسی پیدا شد که اموال و چیزی نداشت که مخارج محاکمه را بدهد این شخص به موجب قانون عرضحالش قبول میشود آیا این قانون در این مورد هم مجری است یا نه ظاهر عبارت این است که خیر هر کس ندارد و بی چیز است عرض حال شکوی ندهد ولی این چیز غلطی است. مقصود این است اگر اینطور است که غلط است و اگر اینطور نیست باید در قانون تصریح شود که اگر کسی فرضاً ندارد عرضحالش مثل سایر عرضحالها باید قبول و رسیدگی شود (صحیح است)

وزیر عدلیه (آقای صدر) جواب فرمایند اول فرمایش

اشخاص طرف دعوی تشکیل میشود و در غیر این مورد از پنج نفر قاضی شاغل در مرکز که رتبه آنها از هشت قضائی کمتر نباشد. در صورتیکه یکی از اعضاء دیوان شکوی طرف دعوی باشد یکی از مستشاران دیوان تمیز به همین رؤسای دیوان مزبور بجای آن عضو معین خواهد شد. رئیس - نظری نیست. ماده پنجم.

ماده پنجم - رسیدگی در دیوان شکوی مطابق اصول محاکمات عادی بعمل خواهد آمد

از حکم دیوان شکوی میتوان تمیز داد مگر در موردی که دیوان مزبور از هیئت عمومی دیوان عالی تمیز تشکیل شده نباشد. رسیدگی تمیزی در هیئتی بعمل خواهد آمد مرکب از رئیس اول و چهار رئیس شعبه دیوان تمیز.

رئیس - اشکالی نیست ماده ششم.

ماده ششم - از تاریخ ابلاغ قرار قبول عرضحال شکوی ناحکم نهائی کسیکه طرف شکوی است نه در دعوائیکه باعث شکایت شده و نه در هیچ دعوی دیگر مدعی یا ذریبای فنی یا سببی نادرجه سوم او مداخله نخواهد کرد.

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دینا - بنده سابقاً هم که این لایحه مطرح شد با این لایحه مخالف بودم برای اینکه قضاة باید در محاکمات مستقل باشند این است که بالایحه که مختصر ترازلی با استقلال قضاة وارد کنند بنده موافق نیستم. قضات تا امروز در مورد تخلف یک قوانینی بود که بموجب آنها محاکمه میشوند. محکمه انتظامی است. دیوان جزا است میرفتند آنجا محاکمه میشوند و بالاخره تکلیفشان معلوم میشود. مادبکر الزامی نداشتیم که باشخاص هم حق بدهیم که بیابند شکایت کنند. معلوم است در هر محاکمه یک نفر محکوم میشود و عادت ما هم این است همین که محکوم شد اعم از حق یا ناحق شکایت می کنیم و اسباب زحمت برای وزارت عدلیه و دولت و اشخاص فراهم میکنیم. آنوقت شرحی عرض کردم جوابهایی گفته شد. حالا گذشته است. اما راجع باین ماده بنده مخالفم چپش این است

که ما از يك طرف قانون تسريع محاکمات از ترويب مجلس گذرانديم. وزارت عدلیه يك وقتی يك لایحه به مجلس آورد که در مقدمه آن لایحه نوشته بود چون محاکمات غالباً خیلی بطوره پیدا کرده و اسباب زحمت و تاخیر احقاق حق شده این بود که قانون تسريع محاکمات را گذرانديم ولی این ماده مخصوصاً موجب میشود که يك قدری محاکمات طول بکشد فرض بفرمائید دو نفری با هم محاکمه دارند در یکی از ایالات یا ولایات يك نفر میخواهد که این محاکمه بطول انجامد و زود خانه پیدا نکند مبرود از قضای شکایتی میکند و قاضی هم به موجب این ماده دیگر حق مداخله ندارد اگر وزارت عدلیه در تمام محاکم خودش عضو علی البدل داشت عیبی نداشت ولی در غالب محاکم عضو علی البدل ندارد ملاحظه بفرمائید در رضائیه آذربایجان در مراغه در يك ولایتی که محکمه عضو علی البدل ندارد از قضای آنجا بکنتر آید و شکایت کرد و شکایتش هم فرض بفرمائید ناحق است برای اینکه محاکمه بطول انجامد یا این که این قضای از آنجا برود و يك کسی دیگر بیاید شکایت میکند و عرضحالش قبول میشود آنوقت این محاکمه متوقف میشود و با دوسیه باید بیاید در مرکز رسیدگی بشود و چندین ماه طول دارد. لذا محاکمات خیلی تاخیر می افتد و بنده عقیده ام این است که این ماده با جریان قانون تسريع محاکمات مخالف است و اسباب تاخیر محاکمات میشود حالا نمیدانم آقای وزیر عدلیه چه فکری در این قضیه فرموده اند در جاهایی که عضو علی البدل باشد چندین اشکالی ندارد زیرا از قضای که شکایت شد چون حق مداخله در آن مورد دیگر ندارد قاضی علی البدل رسیدگی میکند ولی اگر عضو علی البدل باشد باید دوسیه بیاید در مرکز رسیدگی شود و چندین ماه هم طول دارد. خودش هم دیگر حق مداخله ندارد و این اسباب زحمت و بطوره جریان کار میشود.

وزیر عدلیه - عرض میکنم این اشکال آقای دیبا مرتفع است. برای اینکه بعد از اقدام و قبول عرضحال شکوی تا حکم نهائی آن قاضی نمیتواند مداخله کند

شده بود. تاریخ اجرا مهر ۱۳۱۲ قرار داده شد. لکن در اینصورت مانده بود و حالا که آمده به مجلس و گذشته البته موقع اجرا در کمیسیون تعیین خواهد شد و بعرض خواهد رسید.

رئیس - آقایانیکه با ورود در شور دوم این لایحه موافقت دارند قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[۵ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه]
رئیس - اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده پنجشنبه ۱۴ بهر ماه ساعت قبل از ظهر دستورالوایح موجوده (مجلس یکربع ساعت قبل از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

و البته باید همین طور هم باشد و همان فکری که برای يك تقاضی که علیه نیست میکنیم برای این مورد هم البته همین فکر را خواهیم کرد. و این مورد البته از موارد رد قاضی است. در موارد دیگری که قاضی مردود است چه میکنیم در این مورد هم مینتظور است. تا آن مهلت اول رسیدگی نکند که قرار قبول عرضحال داده نخواهد شد پس این اشکالی ندارد.

رئیس - ماده هفتم.

ماده هفتم - این قانون از اول مهر ماه ۱۳۱۲ مؤید اجرا گذارده خواهد شد.

مذیر کمیسیون عالی - (مؤید احمدی) البته این قانون چون سابقاً نوشته شده بود و در کمیسیون مطرح